

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رمزی بارود*
برگردان: عثمان حیدری
۱۵ مارچ ۲۰۲۴

برای نجات اسرائیل، امریکا سیستم بین‌المللی ساخت خودش را نابود می‌کند



Biden, Youtube screenshot.

در صحبتی به سال ۲۰۲۰، ریچارد فالک، استاد متقاعد پرنستون، به من گفت که از نظر تاریخی، آن دسته از کشورهای تحت استعمار که در نبرد برای کسب مشروعیت پیروز شده‌اند، همیشه آزادی خود را نیز به‌دست آورده‌اند. بعید است که فلسطین استثناء باشد. با این حال، جنگ غزه برای جهان، به‌ویژه در رابطه با روابط دولت‌ها با حقوق بین‌الملل، و تعهدات آن‌ها در قبال نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، و دیگران، مشکلی بی‌سابقه ایجاد کرده است. جان لاک، فیلسوف انگلیس در قرن هفدهم، می‌گوید: «حکومت مشروع نیست مگر این‌که با رضایت مردم اداره شود». این فقط یک نظریه صرف نیست و همیشه قابل اجراء خواهد بود. با این حال، رضایت همیشه خود را در قالب انتخابات شفاف و دموکراتیک منعکس نمی‌کند. مشروعیت و وفاداری به دولت‌ها را می‌توان به شیوه‌های دیگری نیز بیان کرد. کسانی که به این اصل احترام نمی‌گذارند، براحتی می‌توانند درگیر ناآرامی‌های سیاسی و شورش‌های خشونت‌آمیز ناشی از مخالفت‌های مردمی شوند.

به منظور حفظ درجه‌ای از اجماع بین‌المللی، در سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد متحد تأسیس شد. از همان ابتداء بدیهی بود که ملل متحد واقعاً خواسته‌های جهانی همه مردم را منعکس نمی‌کند. به عکس، مبتنی بر اساس یک نمونه و الگوی قدرت سلسله مراتبی بود که در آن فاتحان جنگ جهانی دوم به‌عنوان اربابانی ظاهر شدند و به خود حق وتو و عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل (UNSC) را عطا کردند. به رعیت‌ها در مجمع عمومی کرسی‌های بسیار کمتری اختصاص داده شد.

سازمان ملل متحد حداقل سکوی مطلق مشروعیت بین‌المللی را فراهم کرد، اما ساختار نابرابر آن به درگیری‌های دیگری دامن زد که در سخنان محقق بریتانیایی، آدام گروز، بیان شده بود. او نهنها «وضعیت ممتاز پنج عضو دائمی» در شورای امنیت سازمان ملل را محکوم می‌کند، بلکه آن را «یادگاری از گذشته با محوریت غرب، اما بدتر از آن، ابزاری برای قدرت‌های موجود به‌منظور محدود کردن نفوذ و توسعه دیگر دولت‌ها می‌داند.»

برای زنده ماندن در زیر این سیستم نابرابر بین‌المللی تازه، کشورهای کوچکتر با یکدیگر همکاری کردند تا بدنه‌های سیاسی جایگزین، هرچند کوچکتر، در نهادهای بزرگتر ایجاد کنند. آن‌ها از تعداد زیاد خود برای غلبه بر قدرت متمرکز در دستان معدود استفاده کردند. آنها از هر فرصتی برای نمایندگی حقوق فقیرترین و مظلوم‌ترین ملت‌های جهان بهره‌برداری کردند.

جنبش غیرمتعهدها (NAM)، که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد، یکی از چندین نمونه‌ای بود که، هرچند به‌صورت نسبی، نقشی موفقیت‌آمیز بازی کرد.

در طول سال‌ها، ایالات متحده و متحدان غربی‌اش، با تفسیر قوانین بین‌المللی به شیوه‌ای که قطعنامه‌های سازمان ملل را هر زمان که تأمین‌کننده منافع آن‌ها نبود وتو، و با روش‌های غیراصولی اعضای سرکش را منزوی می‌کردند، و نسخه‌ای از «مشروعیت» خود را شکل می‌دادند.

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، سازمان ملل متحد و نهادهای مربوط به آن اسماً متعادل به‌نظر می‌رسیدند، زیرا جهان در واقع بین شرق و غرب تقسیم شده بود. این به جنبش غیرمتعهدها و دیگر سازمان‌ها و اتحادهای عمدتاً جهانی مستقر در جنوب جهانی، ارزش سیاسی بیشتری می‌بخشید.

در آن زمان، قدرت اقتصادی چین به این کشور اجازه نمی‌داد نسخه مشروعیت خود را به بقیه جهان تحمیل کند. اما حال اوضاع تغییر کرده است. جبهه شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ سقوط کرد و نمونه قدرتی را که به مسکو اجازه می‌داد تا اقدام متعادل‌کننده‌تری را حفظ کند، در هم شکست. از سوی دیگر، چین به قدرت رسید و به آرامی نفوذ کرد، و در نتیجه مشروعیت بیشتری را از کشورهایی که متکی به موتور اقتصادی چین بودند به‌دست آورد.

تغییر دیگری در راه است. با گوش دادن به سخنان پرشور نمایندگان روسیه، چین، برزیل، آفریقای جنوبی، ایرلند، مصر، عربستان سعودی، و امارات، می‌توان دریافت که اجماع بین‌المللی بشدت حول مشروعیت قوانین بین‌المللی و قوانین بشردوستانه، نهنها در رابطه با جنگ جاری در غزه، بلکه در مورد دیگر مسائل صلح و عدالت بین‌المللی نیز در حال تحکیم است.

اما هنگامی که لیندا توماس گرینفیلد، سفیر ایالات متحده، برای چهارمین بار در ۲۰ فبروری دست خود را برای صدور وتوی دیگری بالا برد و درخواست الجزایر برای آتش‌بس فوری بشردوستانه در نوار غزه را رد کرد، یکی دیگر از ستون‌های مشروعیت بین‌المللی سقوط کرد.

حتی در دیوان بین‌المللی دادگستری، زمانی که تمام دنیا از آزادی فلسطین دفاع می‌کردند، امریکا با آن مخالفت کرد. «ریچارد وایسک»، مشاور حقوقی موقت وزارت امور خارجه امریکا، در ۲۱ فبروری گفت: «دادگاه نباید تشخیص دهد که اسرائیل از نظر قانونی موظف به خروج فوری و بدون قید و شرط از اراضی اشغالی است.» از قضا، ایالات متحده برای منطقی کردن اقدامات خود در عراق، صربستان، لیبیا، اوکراین، و بسیاری از مناطق درگیری دیگر، به این نهادهای مختلف، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی که ایالات متحده هرچند عضوی از آن نیست، متوسل شده است.

همه این‌ها پیامدهائی خواهد داشت و سال‌های آینده نشان خواهد داد که بحران مشروعیت بین‌المللی ناشی از سوء استفاده از قدرت، به‌سختی با تغییرات و اصلاحات سطحی قابل حل است. مشکل اکنون بسیار عمیق‌تر و مخرب‌تر است و هزینه آن بسادگی قابل تحمل نیست.

برای یک کشور، قدرت نظامی به‌منظور کسب و حفظ مشروعیت به‌تنهایی کافی نیست؛ همین‌طور نه نفوذ اقتصادی و نه دیپلماسی زیرکانه. حفظ مشروعیت به بیش از این نیاز دارد، و با این فرض اساسی شروع می‌شود که هدف روح حقوق بین‌الملل طولانی کردن جنگ نیست، بلکه پایان دادن به آن است.

* - رمزی بارود روزنامه نگار و سردبیر نشریه فلسطین کرونیکل است. او نویسنده پنج کتاب از جمله: این زنجیرها شکسته خواهند شد: داستان‌های فلسطینی مبارزه و سرکشی در زندان‌های اسرائیل (۲۰۱۹)؛ پدرم مبارز آزادی بود: داستان ناگفته غزه (۲۰۱۰)؛ و انتفاضه دوم فلسطین: وقایع نگاری از مبارزه مردمی (۲۰۰۶). دکتر بارود یک محقق ارشد غیرمقیم در مرکز اسلام و امور جهانی (CIGA)، دانشگاه زعیم استانبول (IZU) است. وب سایت او www.ramzybaroud.net است.

منبع: کانتر پانچ - ۰۶ مارچ ۲۰۲۴

[To Save Israel: The US is Destroying the International System It Once Constructed - CounterPunch.org](http://CounterPunch.org)